

سخنی در عشق عارف راستین .

مولانا بارها گفته است که از نظر عارف عشق فقط به خداوند و یا معشوق عالم است و بقیه عشقها مجازیند و یا هوسند عشق مجازی که بسیار هم مفید است عشق مادر به فرزند است چون در آن ریا وجود ندارد و مادر هر چه میگوید از عشق فرزند درست است .

عشق ز اوصاف خدای بی نیاز - عاشقی بر غیر او باشد مجاز

عشق وصف ایزدست اما که خوف - وصف بنده مبتلای فرج و جوف

پس محبت وصف حق دان عشق نیز - خوف نبود وصف یزدان ای عزیز

بنا بر این وقتی مجنون چنین شیدائی لیلی است باید بدانیم که لیلی بهانه است لیلی ظرفی است که حسن و زیبایی خدادادی را در آن ریخته اند.

ابلهان گفتند مجنون را ز جهل - حسن لیلی نیست چندان، هست سهل

بهتر از وی صد هزاران دلربا - هست همچون ماه اندر شهر ما

گفت صورت کوزه است و حسن می - می خدایم می دهد از نقش وی

لیلی به گفته مولانا زیبا نبود و نبود بود . ابلهان به مجنون گفتند که لیلی زیبا نیست چرا بر او چنین شیدائی هستی و مجنون جواب داد که .

صورت ظاهر کوزه است و زیبایی همچون می در کوزه، خداوند به من از کوزه وجود لیلی باده جمال خودش را می نوشاند اما به دیگران از همان کوزه سرکه می دهد . در مادر و فرزند هم همین است درست است که مادر شیدائی فرزند است اما در پشت چشمان پر خمار فرزند، مادر، خداوند را باید ببیند و می بیند .

مولانا میگوید که تجلی خداوند در همه اشیاء نهفته است و بهترین محل تجلی حق سیمای زیبای زنان عقیف و فرو هشته چشم اند

ر و و خال و ابرو و لب چون عقیق - گویا حق تافت از پرده رقیق

دید او آن غنچ و برجست او سبک - چون تجلی حق از پرده تنک

غنچ و برجست سبک یعنی با ناز راه رفتن

پس هر ظاهری کوزه ایست که در داخل خود طعام جان افزای خداوند را دارد . صورت زیبای یوسف جامی بود که یعقوب به سبب سیرت الهی خود از آن جام باده های شادی بخش می نوشید اما برادرانش به سبب کینه از همان جام زهر می نوشیدند